

یاد

محمود سلیمانی، همبازی و هم‌رزم سردار می‌گفت این دخترها فرزندان من هستند

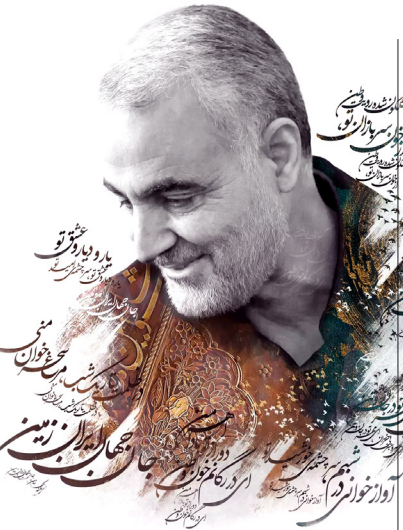


محمود سلیمانی از دوستان سردار سلیمانی است. او به عشق و ارادت شهید به اهل بیت(ع) اشاره می‌کند و اینکه جقدر به برگزاری مراسم روزه اهمیت می‌داده است. او تعریف می‌کند: «هر سال ایام فاطمیه به کرمان می‌آمد و قبل از برگزاری مراسم از همسایه‌ها و کسبه حالیت می‌طلبید؛ برای شلوغی و رفت‌وآمد مردم. همیشه تأکید داشت صدای بلندگوها بلند نباشد که همسایه‌ها آذیت شوند. اعتقاد داشت که در مجالس اهل بیت(ع) یکی از برنامه‌ها و اهدافشان جذب جوانان به این جلسات باشد، اعتقاد داشت اقشار مختلف مردم باید از این مجالس استفاده کنند نه یک قشر خاص. معتقد بود و می‌گفت در مجالس اهل بیت(ع) خط کش نگذارید. او خودش جلوی در حسینیه می‌ایستاد به مردم خوشامد می‌گفت. گاه پیش می‌آمد سرویس بهداشتی حسینیه را می‌شست بی‌آنکه ابایی از این کار داشته باشد.» او ادامه می‌دهد: «حاجی حتی به جوانان بدلباس یا خانم‌های بدحجاب به احترام می‌گذاشت. می‌گفت این دخترها فرزندان من هستند. باید جذب‌شان کرد.»

سهراب، برادر کوچک شهید

## اهل تجملات نبود

سهراب، برادر کوچک سردار است و به ساده‌زیستی او اشاره می‌کند؛ ساده‌زیستی‌ای که الگو گرفته از مقام معظم رهبری است؛ اینکه زندگی حاج قاسم همیشه به دور از تجملات بوده است. می‌گوید: «وسایل منزل ایشان شاید مربوط به ۲۰ سال قبل باشد و افرادی که به منزل حاج قاسم آمده‌اند، این صحبت را تأیید خواهند کرد. حتی میل‌های منزل در دوره حمله تعمیر شده‌اند؛ چرا که ایشان هرگز حاضر به تغییر وضعیت و سبک زندگی در سطح معمولی و رو به بالا نبود، با حقوق سپاه زندگی خود را اداره می‌کرد هرگز هیچ درآمدی خارج از حقوق سپاه نداشت و خانواده هم به این شرایط قانع بودند.» سردار حتی کارت جانبازی خود را در اختیار جنبانانی قرار داده بود که شرایط مالی خوبی نداشتند و هیچ وقت از امتیازهای آن استفاده نکرد. او ادامه می‌دهد: «برادر، عاشقانه فرزندان را دوست داشت و آنها را ولای بی‌ترتیب کرد. با همه مشغله‌های که داشت اما به امور فرزندان توجه خاصی داشت؛ حتی نوه‌هایش. چند ماه قبل از شهادت، سر زده به مهد کودک که نوه‌های دولوپیش حضور داشتند مراجعه کرد و از مربیان مهداحوال بچه‌ها را جویا شد. نکته‌سنجی او باعث تعجب مربیان شده بود.»



مزگان مهرابی  
روزنامه‌نگار

پارسال و آسال پیش هم همینطور بود. مهمانان حاج قاسم برای برگزاری مراسم یادبود، مهمان کرمانی‌ها شده بودند. جقدر هم زیاده‌اش راه‌های دور و نزدیک آمده‌اند برای شسرکت در مراسم سومین سالگرد شهادت سردار. با حضور این جمعیت چندده هزار نفری، نبود سردار بیشتر به چشم می‌آید. جقدر جای خالی است. زن و مرد، پیر و جوان پوستر حاج قاسم را به دست گرفته و این مسیر طولانی خیابان اصلی شهر تا گلزار شهدا را پیاده روی می‌کنند به عشق پدری که عاشقانه دوستش داشتند.

## تمرین مرام پهلوانی از گود زورخانه

حاج قاسم تا دوران دبستان در روستای قنات‌ملک بود و بعد از آن همراه حسین برادر بزرگ‌ترش به کرمان رفت؛ هم برای کار و هم برای تحصیل. با جدیت تمام کار می‌کرد تا بتواند بخشی از درآمدش را به پدر و مادرش بدهد. تلاش او همیشه دیگران را به تعجب واد می‌داشت. دوستانش به شوخی به او می‌گفتند: «قاسم تو خسته نمی‌شوی؟!» این خصلت را تا زمان شهادتش داشت و خستگی ناپذیر بودن او از ویژگی‌های خاصش بود. حسین می‌گوید: «قاسم برای اینکه قدرت بدنی‌اش را بالا ببرد ورزش می‌کرد؛ از همان نوجوانی. برای همین بدنی ورزیده و توموند داشت. با دمبل کار می‌کرد. کاراته تمرین می‌کرد. البته نشان نمی‌داد که ورزش می‌کند اما اگر موقعیت ایجاد می‌کرد ۱۰ نفر را هم حریف بود. همیشه می‌گفت ورزش نمی‌گذارم آدم به بیراهه کشیده شود؛ به خصوص ورزش باستانی.» رفتن در گود زورخانه و ورزش باستانی شاید در ابتدا برای سلامت جسم بود اما کم‌کم مرام پهلوانی را در او به‌وجود آورد. نوع دوستانه‌ای که حاج حسین به آن اشاره می‌کند را فقط در وجود یک پهلوان می‌توان پیدا کرد. برادر بزرگ‌تر سردار از حس پدران‌اش به ایتمام و نیازمندان



# سرداری که بر دل‌ها فرمانروایی می‌کرد

گفت و گو با حسین سلیمانی، برادر بزرگ حاج قاسم به مناسبت سالروز شهادتش

یکی از شجاعتش می‌گوید و دیگری درباره مهرباتی و دادرسی بودن او حرف می‌زند. خانمی در میان جمعیت با صدای بلند فریاد می‌زند: «میهن دوست و مردمدار بود.» اگرچه مردم ارادت خود را با بیان ذکر خوبی‌های سردار نشان می‌دهند اما باید گفت برای نوشتن صفات نیک این دلیر مرد کتاب قطوری نیاز است که برای آیندگان به یادگار بماند. سردار قاسم سلیمانی برای تک‌تک حماسه‌هایی که آفرید نه‌از مردم طلبکار بود و نه منتظر قدردانی. او با خدا معامله کرد و سرانجامش یاداشتی نیکو از خدا گرفت و آن شهادت بود. حسین، برادر بزرگ‌تر حاج قاسم با همه مشغله‌هایی که این روزها دارد به رسم مهمان نوازی ساعتی را برای گفت و گو به ما اختصاص می‌دهد.

می‌گوید: «دغدغه حاج قاسم مشکلات مردم بود. امکان نداشت متوجه گرفتاری کسی شود و از کنارش بگذرد. سریع دست به‌کار می‌شد. به فرزندان و خانواده شهدا خیلی رسیدگی می‌کرد؛ به‌خصوص درس‌شان. معمولاً هم پنهانی کارهایش را انجام می‌داد. گاهی پیش می‌آمد وسایلی را در اختیار من می‌گذاشت تا به خانواده‌های نیازمند برسانم. البته شهید پورجعفری هم در این امر زیاد همراهی‌اش می‌کرد.»

## سلوک سلیمانی

سردار همیشه خود را در پیشگاه خدا می‌دید و سعی می‌کرد همه کارهایش رنگ و بوی خدایی داشته باشد. گوی این جمله امام خمینی(ره) که «عالم محضر خداست، در محضر خدا گناه نکنید.» را سررلوحه امور زندگی خود قرار داده بود. دست‌نوشته‌ای از او به یادگار مانده نزد یکی از دوستانش با این مضمون: چند چیز را مدنظر داشته باش: اول اخلاص، اخلاص، اخلاص؛ یعنی گفتن انجام‌دادن یا ندادن برای خدا. دوم اینکه قلبت را از هر چیز غیر او خالی کن و پر از محبت خدا و اهل بیت(ع) کن. سوم نماز بخوان که توشه عجیبی است. آخر اینکه دوستان و شهدا را یاد کن ولو به یک صلوات.»

## نشان ذوالفقار از آن قوی‌ترین مرد ایران

و اما شجاعت حاج قاسم که مصداق آن کم به چشم می‌آید، کسی که به جز خدا از هیچ چیز و هیچ‌کس واهمه نداشت. او در سال ۱۳۹۷ نشان ذوالفقار را که نشانه قوی‌ترین و شجاع‌ترین مرد ایران است از مقام معظم رهبری دریافت کرد و دقیقاً بعد از ۲ هفته برای کمک به مردم سیل‌زده خوزستان

## عاشقانه‌های سردار و مادرش

اما مهم‌ترین خصلت سردار که به باور حاج حسین همان باعث محبوبیتش نزد مردم شد احترام به پدر و مادر بود. حاج قاسم عادت داشت هر بار که از ماموریت می‌آمد به روستا می‌رفت تا پدر و مادرش را ببیند. حاج حسین تعریف می‌کند: «من حیا می‌کردم پدرم را بغل کنم اما حاج قاسم نه خیلی راحت پدرم را در آغوش می‌گرفت و فشار می‌داد. آنقدر که پدر صدایش در می‌آمد که دردم گرفت. بعد سراغ مادر می‌رفت. عاشقانه‌هایی داشتند با هم. همیشه سعی می‌کرد کف پای مادرم را بوسد اما مادرم نمی‌گذاشت.»

کتاب

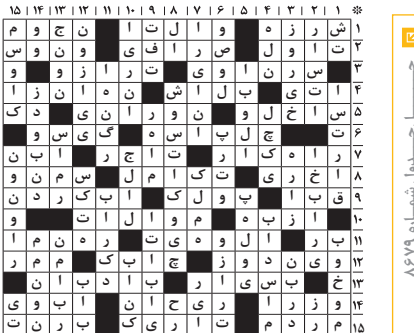
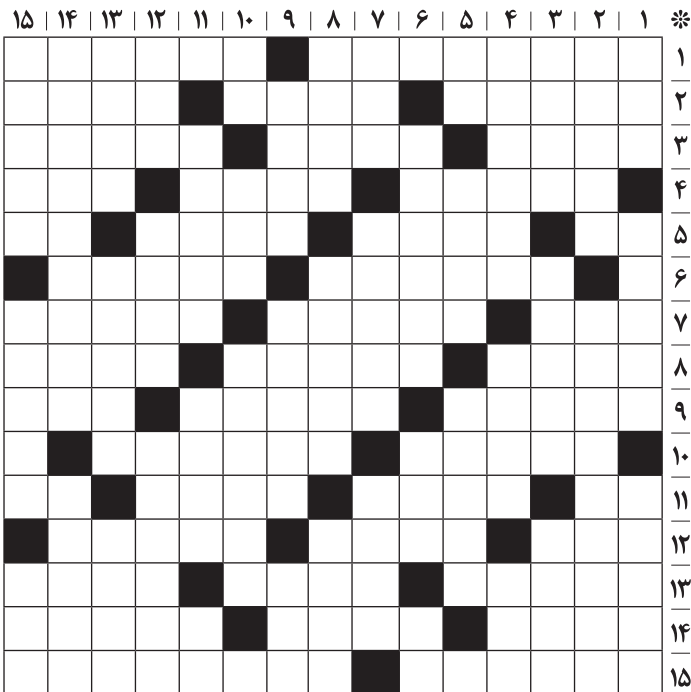
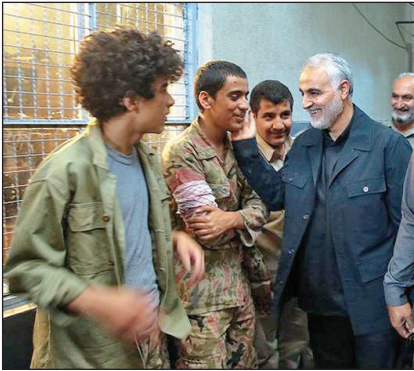
## دلنوشته‌هایی برای فرمانده



کتاب «شاید پیش از اذان صبح»؛ خاطرات و دلنوشته‌های احمد یوسف‌زاده، از رزمندگان دوران دفاع مقدس و نویسنده کتاب‌های «آن بیست و سه نفر» و «درگاه اطفال» از شهید قاسم سلیمانی را شامل می‌شود که از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شده است. یوسف‌زاده در ابتدای کتاب با عرض ارادت به فرمانده‌اش در زمان دفاع مقدس اینگونه نوشته است: «سال‌هایی که می‌چنگید، دعای خیر و نگاه ترسانم دنبالش بود که جانش از بلا دور باشد. خودش اما، نگاهش جایی دیگر بود و سرانجام خداوند او را که می‌چنگید، بر ما که نشسته بودیم با یاداش شهادت برتری داد.» یوسف‌زاده با مخاطب قرار دادن حاج قاسم دلنوشته‌ها و خاطرات سال‌های دور و نزدیک را با او مرور می‌کند. در این روایت‌ها مطالبی خواندنی از شیوه سلوک و زندگی و فرماندهی شهید سلیمانی پیش روی مخاطب قرار می‌گیرد.

این نویسنده اهل کرمان است و بیش از ۸ سال دوران نوجوانی‌اش را در اسارت‌گاه‌های عراق گذرانده است. متولد ۱۴۴ است و خودش می‌گوید در سن نوجوانی از بسیجی‌های حاج قاسم سلیمانی بوده، وقتی سردار او را به چند نفر از نوجوانان را از صف بیرون می‌کشید تا به یادگان برگرداند، از دستش فرار می‌کنند و به شکل پنهانی خود را به اهواز می‌رسانند. یوسف‌زاده می‌گوید: «سردار سلیمانی آن زمان خودش ۲۵ سالش بود و می‌گفت شما خیلی جوان هستید و ممکن است به اسارت دربیابید و شکنجه شوید. بهتر است در یادگان بمانید.»

یوسف‌زاده از روزی که سردار به شکل سرزده به پشت صحنه فیلم «۲۳ تفر» رفته بود می‌گوید: «سردار قول داده بود پشت صحنه فیلم بیاید اما بعد از چند ما سرزده آمد. حتی آقای جعفری (کارگردان) هم خبر نداشت.» ناگفته نماند کتاب «آن بیست‌وسه نفر» را سیدمهدی جعفری مقابل دوربین برد تا خاطرات ۲۳ تفر در تصویر هم زنده بماند.



جدول شماره ۸۶۸۰

۱۰- تیره و کدر- مزه لواشک- سبک نقاشی پیکاسو  
۱۱- نگاه- گله- رنج بی‌پایان!  
۱۲- زیاده‌خواهی- مرتفع- نام‌چند تن از پادشاهان هخامنشی بود  
۱۳- اتفاق افتادن- مادر- معروف  
۱۴- در دوره قاجار، امور مربوط به تعزیه را رهبری می‌کرد- فدم‌ه بودن  
۱۵- بیماری زردی- غده سرطانی- زینک

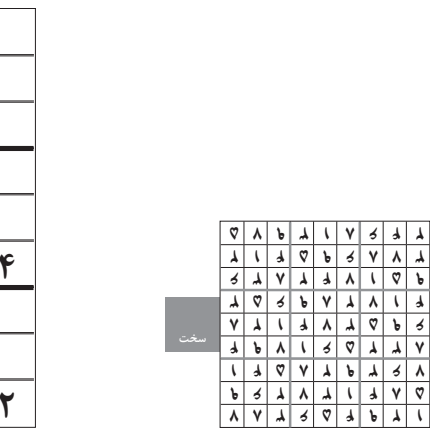
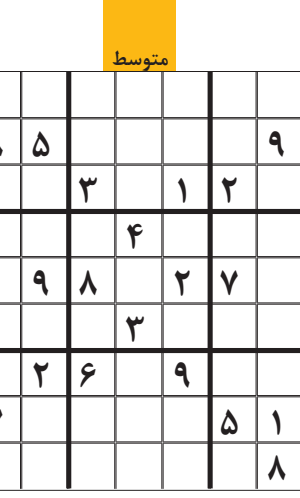
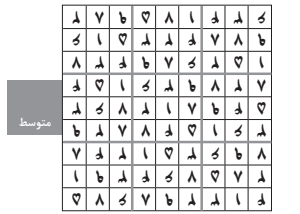
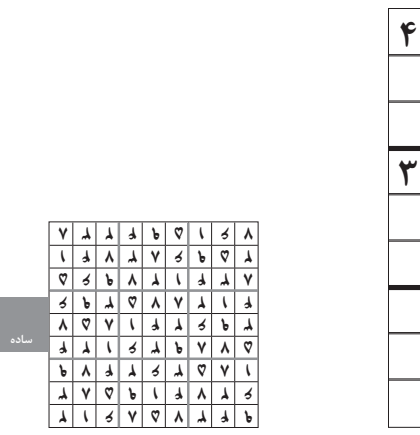
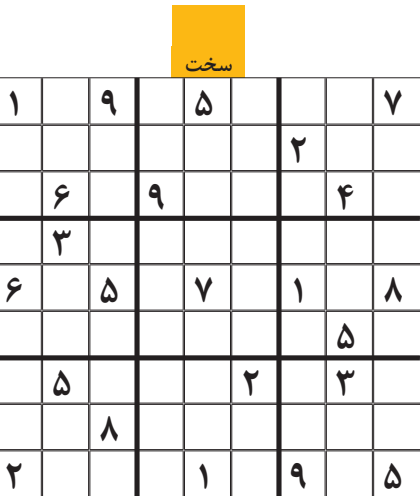
## جدول ۸۶۸۰

افقی:  
۱- مشهورترین رمان استاندال، نویسنده فرانسوی- از نقوش اسلیمی  
۲- لقب افتخاری در قدیم برای صاحب‌منصبان- شمشیرزن- فرورفته  
۳- آوای حزین- دانه‌های کاشتنی- به عقب انداختن  
۴- پدر شعر فارسی- هر بخش یک مجموعه- رنج و سختی  
۵- درخت انگور- هجوم- ضرب‌کننده سکه- اشاره به دور  
۶- محبوس- نوعی اسلحه کمری  
۷- آسانی- همایش علمی- توبه‌کردن  
۸- حلقه بین پیچ و مهره- رهبر قزاق‌های روسی و فاتح سبیری- از اجزای مهم موتور خودرو  
۹- شکسته- رسیدن به حداکثر وضوح در عکاسی- تله  
۱۰- به راست متمایل شدن- نوعی کباب ایرانی  
۱۱- کتف- اضافه‌شده- نامی دخترانه- خیس  
۱۲- سازمان همکاری‌های اقتصادی- دربارکن برقی- پسر رستم در شاهنامه  
۱۳- از نژادهای اسب اصیل

ایرانی- جلو افتادن- سمت چپ  
۱۴- سرور و آقا- غیر ممکن- بار زولیت  
۱۵- جانسوری بی‌مهره با بدن بندبند- بازگشتن نیروهای نظامی به عقب‌تر از مواضع خود  
عمودی:  
۱- کلام- اندازه متوسط در پوشاک- بخش پایانی  
۲- رفت‌وآمد زیاد- رودی در جنوب آرژانتین  
۳- دایی شیرازی- قرمز تیره- چندوکیل  
۴- از آثار مشهور ناصر خسرو- طراح- خزنده‌ای که گوش ندارد  
۵- عددی مفرد- طفل- ماه روزه مسلمانان  
۶- آلبومی شنیدنی بسا آواز شهرام ناظری- میان شکم- من و شما  
۷- حیوان نجیب- تنها کانه مهم حیوه‌است- پیروز  
۸- فیلمی ساخته رسول ملاقلی‌پور- جنگ مسلمانان و رومیان که در سرزمین اردن روی داد- از نجاسات در اسلام  
۹- سفید- مرگ موش- جامه پشمی فقرا

## جدول اعداد | ۴۳۸۹

اعداد ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یک‌بار دیده شود. پاسخ‌ها در ادامه آمده است.



املاک



گردشگری



کسب و کار



لوازم الکترونیک



استخدام



خودرو



خدمات



لوازم خانگی

# راهنمای هلمشهری

تمام آنچه به دنبال آن هستید فقط با یک کلیک در

# rahnama.com